

وعده‌ها برای نجات مهم‌ترین سند تعلق خلیج فارس به ایرانیان تحقق نیافت

ساخت و ساز روی سرنخ تاریخ!

میراث سرگردان وقف



فرهاد نظری

عضو کمیته میراث ناملموس سازمان جهانی اسکناس برای آموزش و پرورش علوم و فرهنگ (ایستسو)

در شعبان ۱۳۲۸ق قانون تأسیس «وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» به تصویب مجلس شورای ملی رسید. تشکیل این وزارتخانه بی‌شک نقطه آغازین حمایت قانونی و تشکیلاتی از میراث فرهنگی در ایران است. این وزارتخانه هم‌متولی اوقاف و نظارت بر آن بود و هم شعبه‌ای به نام عتیقات داشت که موظف به نشر معارف و نگهداری آثار گذشته بود. تأسیس موزه ملی ایران در ۱۳۳۵ق/۱۲۹۵ش جزء نخستین اقدامات وزارت معارف بود. این موزه با بذل توجه آقای مرتضی‌خان ممتازالملک، وزیر معارف تأسیس شد و درصدد بود عموم ایرانیان از اشراف و تجار و صنعتگران در تکمیل این موزه مساعدت کنند. تشکیل اداره عتیقات در ۱۳۳۷ق/۱۲۹۷ش به ریاست ایرج‌میرزا جلال‌الملک را هم باید در ردیف اقدامات مهم حمایت از میراث فرهنگی قرار داد. این اداره که در سال‌های بعد تغییر نام یافت، منشأ کارهای اساسی در شناسایی، ثبت، مرمت و تعمیر آثار تاریخی و حفاری محوطه‌های باستانی شد. در ۱۳۰۳ش آیین‌نامه‌ای موسوم به آیین‌نامه عتیقات به تصویب هیأت وزیران رسید که ملاک عمل این اداره بود. در ۱۳۰۹ش قانون راجع به حفظ آثار ملی در مجلس تصویب شد که شاید تأثیرگذارترین قانون مربوط به میراث فرهنگی در ایران باشد.

به موجب قانون اوقاف در ۱۳۱۳، تعمیر و ترمیم بناهای تاریخی از محل وصول نیم‌عشر حق‌النظاره اوقافی انجام می‌شد. چون حفظ و تعمیر آثار پیش از اسلام از اعتبار مذکور محظور(اشکال) قانونی داشت، وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه که بعداً به «وزارت فرهنگ» تغییر نام داد



مسجد جامع اصفهان وقف است

درصدد تأمین اعتبار لازم برای حفظ آثار ملی شد. وانگهی هر سال بر تعداد آثار افزوده شده و مسائل و مبانی نوینی در حفظ آثار مطرح می‌شد. از این رو می‌طلبید طرح سازمان نوینی برای حفظ میراث فرهنگی در انداخته شود. بنابراین در آذرماه ۱۳۴۳ طبق قانون تفکیک وزارت فرهنگ، این وزارتخانه از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف تفکیک شد.

وزارت فرهنگ و هنر که از دل وزارت فرهنگ درآمده بود با هدف و منظور «بیشرفت فرهنگ و هنر و حفظ و توسعه و شناساندن میراث کهن و تمدن باستانی ایران» ایجاد شد و البته موزه ایران باستان به لحاظ برخورداری از موقعیت ویژه به طور مستقل اداره می‌شد.

دایره اقدامات حفاظتی میراث فرهنگی در تشکیلات و وظایف وزارت فرهنگ و هنر اموری نسبت به گذشته گسترده‌تر و مفاهیم نوبه قاموس حفاظت میراث فرهنگی راه یافته بود. بررسی و حراست میراث فرهنگی ناملموس ایرانیان، تعیین حریم استحفاظی و منظر بناهای تاریخی، توجه به بافت‌های قدیمی، مطالعه درباره روش‌های گوناگون تعمیر و حفاظت بناهای تاریخی، مراقبت در ایجاد هماهنگی بین بناها و آثار و بافت‌های با ارزش قدیمی و کارهای عمرانی و نوسازی‌ها از جمله مواردی بود که حفاظت گسترده‌تر میراث فرهنگی را می‌طلبید. از این رو در آبان ۱۳۴۴ سازمانی برای حفاظت آثار باستانی تشکیل شد.

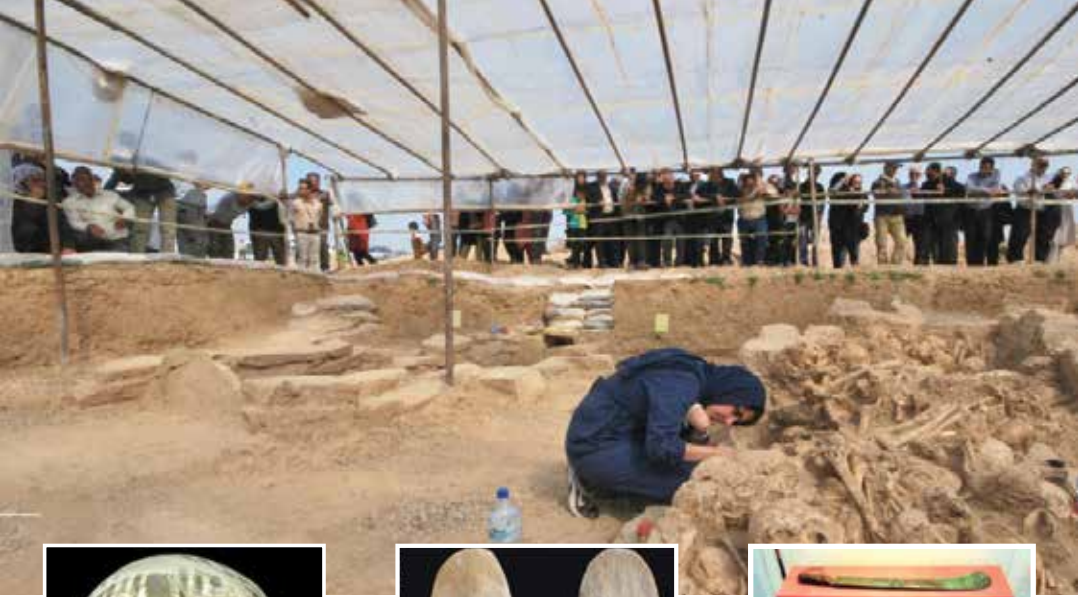
این سازمان در اجرای برنامه خاصی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر به منظور جلب توجه افکار عمومی به ضرورت و اهمیت حفظ بناهای تاریخی و آثار باستانی و جلب مساعدت همه افراد کشور، استفاده از امکانات دولتی و بین‌المللی تأسیس شد در طول حیاتش مصدر کارهای قابل توجهی در حفاظت از آثار تاریخی بود.

سازمان میراث فرهنگی که در سال ۱۳۶۷ تشکیل شد. برپایه و پایه همان تشکیلات بنا شد و بعداً هم که با سازمان‌های گردشگری و صنایع دستی ادغام شد و در نهایت به شکل وزارتخانه‌ای مستقل درآمد، تقریباً همان وظایف و مسئولیت‌های تشکیلات گذشته را به عهده داشت. تا اینجای کار عیب و ایرادی دیده نمی‌شود، اما موضوع این است که بخش معظمی از میراث فرهنگی ما، «میراث وقف» است که این وزارتخانه در امور آن، آن طور که ماهیت وقف ایجاب می‌کند مداخلت نداشته و حتی ارتباط قوی با سازمان اوقاف ندارد. اشکال کار به تفکیک وزارت فرهنگ در سال ۱۳۴۳ باز می‌شود که فرهنگ و هنر راهش از اوقاف جدا شد و هر کدام تشکیلات مستقلی پیدا کردند.

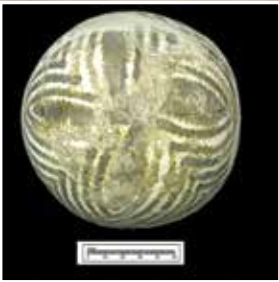
تا پیش از این تاریخ، یک وزارتخانه، متولی همه این حوزه‌ها بود که البته درست هم بود. حاصل تفکیک و جدا شدن اوقاف از فرهنگ و هنر (میراث فرهنگی)، موجب بالاترین «میراث وقف» میان سازمان و بعداً وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و سازمان اوقاف شد. در مجالی دیگر با ذکر نمونه‌هایی به تشریح وضعیت میراث وقف می‌پردازیم. باشد که بتوان راهی و علاچی برای حل مشکل پیدا کرد.

زهره کشوری

خبرنگار



تیم باستان‌شناسی



جابه‌جایی روستا در انتظار تصویب اعتبار

«حسین شجاعی» بخشدار سردشت زیدون در بهبهان در گفت‌وگو با «ایران» از رضایت مردم برای جابه‌جایی روستا از روستای محوطه ۶ هزارساله چگاسفلا خبر می‌دهد و مردم این روستا را حافظان اصلی میراث فرهنگی منطقه می‌داند و می‌گوید: «این نقطه شاید تنها نقطه‌ای باشد که مردم اجازه نمی‌دهند کسی دست به قاچاق اشیا بزند.» او درباره نقطه‌ای که تیم باستان‌شناسی برای جابه‌جایی روستا انتخاب کرده است هم می‌گوید: «تیم باستان‌شناسی باید قبل از انتخاب منطقه با جهادکشاورزی، میراث فرهنگی، فرمانداری و بخشداری مشورت می‌کرد. این منطقه حوزه عشایری است و نمی‌شود به‌راحتی روستا را به آنجا منتقل کرد.» شجاعی می‌گوید: «جلسه‌ای در استانداری خوزستان برگزار شد. در

آن جلسه ایرادها را عنوان کردیم و گفتیم کسانی که جانمایی کردند با منطقه آشنا نبودند. البته آقای دکتر مقدم کاوش را انجام داده‌اند و با منطقه آشنا هستند.» او از رضایت بخشاری برای جابه‌جایی روستا هم خبر می‌دهد و می‌گوید: «یک جلسه در استانداری گذاشتیم و ایرادها گفته شد. باید تمهیدات اسکان در محل جدید ایجاد شود. متأسفانه با توجه به شرایط اقتصادی حاکم اعتباراتی تخصیص داده نشده.» او اسکان اهالی روستا در نقطه‌ای را که تیم باستان‌شناسی انتخاب کرده باعث تنش بین روستاییان و عشایر دامدار که در فصل کوچ به منطقه می‌آیند، می‌داند و می‌گوید: «بنیاد مسکن باید با هماهنگی مردم طرح‌های را تهیه کند، زیرساخت‌ها را انتقال دهد تا مردم ترغیب شوند.»

خلیج فارس می‌برد. تا پیش از آنکه باستان‌شناسان با ورود به گورهای آجری، دنیای پررزم و راز چگاسفلا را رمزگشایی کنند، چند برگ محدود از تاریخ خلیج فارس از دل هزاره‌ها بیرون کشیده شده بود. قدیمی‌ترین یافته‌های مرتبط با خلیج فارس، به چند غار متعلق به دوره پارینه سنگی در منطقه هرمزگان و چند محوطه کوچک هزاره پنجم پیش از میلاد در بوشهر محدود می‌شد. این غارها و محوطه‌ها عموماً در مناطق پس‌کرانه قرار داشتند و تنها یکی دو تا از آنها در کرانه‌های خلیج فارس قرار دارد. در دوره‌های تاریخی نیز بر کرانه خلیج فارس شهر عیلامی لیان کاوش شده و در دوره اسلامی شهر سیراف است.

چگاسفلا برای ثبت جهانی حداقل ۵ تا ۴ معیار از ۱۰ معیار یونسکو را دارد. نشانه‌هایی دال بر شاهکار نبوغ خلاقانه بشر یکی از معیارهای این سازمان بین‌المللی است که باستان‌شناسان ردش را در گورستان و نیایشگاه ۶ هزارساله چگاسفلا یافته‌اند. مقدم چگاسفلا را یکی از نادرترین مکان‌های آیینی

مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد می‌داند. به گفته این باستان‌شناس، اجزای این مکان آیینی به‌صورت منظم در کنار همدیگر قرار گرفته است که نمادگرایی منحصر به فردی در چینش قبور، نیایشگاه و سفال‌های آن دیده می‌شود. او چگاسفلا را نمونه منحصر به فردی از یک تمدن و سنت مرده می‌داند. این هم یکی دیگر از معیارهای یونسکو برای ثبت آثار در فهرست جهانی است. مقدم می‌گوید: «ما برای نخستین بار در چگاسفلا با معماری دقیقی از قبور روبه‌رو هستیم که حجره تقسیم‌ی دارند.» به گفته او این ویژگی منحصر به فرد تا قبل از آن در هیچ یک از کاوش‌های باستان‌شناسی پیش روی باستان‌شناسان قرار نگرفته بود. در گورستان شش هزار ساله چگاسفلا استخوانان‌ها (استخوان‌ها) وارد معماری گورستان می‌شود. مردم استخوان‌های اجساد پیشین را به رسم احترام در استخوانان قرار می‌دادند و مردگان بعدی را به جای آنها دفن می‌کردند.

باستان‌شناسان نزدیک به ۵ هزار گور در این سایت شناسایی کرده‌اند که دستاوردهای مهم

تصاویر العین است. روی قبور العین دو غزال عربی (اوریکس) رو در روی هم ایستاده‌اند اما در چگاسفلا دو بز.

مقدم می‌گوید: «تفاوت این است که (نقش دو بز) اینجا در یک مکان مذهبی قرار دارند آنجا روی یک گور. پس با یک سنت ریشه‌دار در منطقه باستانی روبه‌رو هستیم. این سنت و تمدن طبعاً از جایی ریشه گرفته است؟ هیچ گزارش دیگری وجود ندارد. پس ما قدیمی‌ترین نقش را در چگاسفلا داریم که نشان می‌دهد چگاسفلا ریشه تمدنی منطقه است.» همچنین باستان‌شناسان، پیکرک‌هایی در نواحی شرقی و غربی شبه جزیره عربستان یافته‌اند که نشان از تأثیر چگاسفلا روی آنها دارد. اسل‌های کشف شده در چگاسفلا ریشه‌های تاریخی باستانی کشفیات منطقه هزور فلسطین اشغالی را نیز در خود دارد. اسل‌های کشف شده در «هزور» به دوره برنز می‌رسد یعنی ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد. اسل‌های چگاسفلا ۳۸۰۰ سال از یافته‌های هزور قدیمی‌ترند.

مقدم اعتقاد دارد که چگاسفلا پنجره‌ای است که انسان معاصر را به دیرینگی

این کاوش‌ها تنها نتیجه کاوش ۱۰ گور آن است و ۴ هزار و ۹۹۰ گور هنوز کاوش نشده‌اند.

روستایی همگون با ۶ هزار سال تاریخ

تیم باستان‌شناسی به مدیریت مقدم در سال ۹۷ طرح جابه‌جایی روستا را ارائه می‌کند. او پیشتر به روزنامه ایران گفته است: «در این طرح یک روستا با تمام مساحت آن که شامل خانه و اراضی روستایی می‌شود در خارج از عرصه چگاسفلا ساخته می‌شود.» تیم کاوش اصرار دارد که اهالی روستا در منطقه‌ای نزدیک به سایت چگاسفلا استقرار یابند تا بتوانند از مزایای حضور گردشگر در این شهر باستانی بهره ببرند.

اومی‌گوید: «در طرح داده شده تمام خانه‌ها و اراضی موجود دیده شده است. معتقدیم باید یک روستا با توجه به شرایط منطقه و هماهنگ با آینده چگاسفلا و جاذبه‌های گردشگری آن دیده شود.» با زدید بالای گردشگران از خاتون، زنی شش هزارساله که از چگاسفلا به موزه قلعه شوش رفته، نشان از تمایل بالای گردشگری برای حضور در چگاسفلا دارد.

مقدم اعتقاد دارد جا به جایی اهالی روستا به منطقه‌ای خارج از دشت زهره تبعات اجتماعی دارد و نباید اهالی را از ریشه‌های خودشان جدا کرد. تیم باستان‌شناسی، منطقه مورد نظر برای ساخت روستای جدید را بررسی کرده و اعلام می‌کند که این منطقه دارای داده‌های تاریخی و باستانی نیست و فاقد آثار فرهنگی است. تیم کاوش حتی ضوابط حریم و ارتفاع خانه‌ها را هم مشخص کرده تا حریم منظری شهر چگاسفلا خدشه دار نشود.

مقدم می‌گوید: «اگر طرح از سوی مسئولان تصویب شود، در مرحله بعد می‌توان روی معماری خانه‌های شهرک و هماهنگی آنها با چگاسفلا متمرکز شد.»

به گفته او، این معماری می‌تواند روستای جدید را به یکی از جاذبه‌های مرتبط با تاریخ ارزشمند چگاسفلا تبدیل کند. عباس مقدم که تلاش‌های بسیار زیادی برای حفاظت از چگاسفلا و بیان اهمیت این سایت داشته، می‌گوید: «طرح به صورتی نوشته شده که هیچ حقی از روستاییان ضایع نشود.»

مخالفت بخشدار سردشت با طرح باستان‌شناسان

کار دقیق تیم کاوش مورد قبول مسئولان شهر بهبهان قرار نگرفته است. مقدم از مخالفت بخشدار سردشت زیدون با ساخت روستا در نقطه‌ای ارزیابی شده خبر می‌دهد و می‌گوید: «آنها می‌گویند که با ما مشورت نکرده‌اید و اراضی ملی محل چرای دام قلان روستا است.» به گفته مقدم بخشدار سردشت قول داده تا جای جدید را برای استقرار روستا مشخص کند اما هنوز هیچ خبری از جانمایی بخشداری به گوش تیم باستان‌شناسی نرسیده است.

مقدم اعتقاد دارد اگر استانداری خوزستان و بنیاد مسکن با همکاری معاونت میراث فرهنگی نامه معاون اول رئیس‌جمهور را مطابق با نظر تیم کاوش اجرایی می‌کردند، روستای جدید چگاسفلا می‌توانست نخستین روستایی باشد که با نگاه میراث فرهنگی و میزبانی از گردشگران ساخته می‌شود. اهالی روستا نیز می‌توانستند در دل یک روستا با بومگردی، اقتصاد جدیدی همزمان با کشاورزی برای خود تعریف کنند تا نام‌وتان آنها همزمان حفظ شود. روستایی که اولین صاحبان قدیمی‌ترین شهری هستند که تعلق خلیج فارس به ایران را به ۶ هزار سال پیش می‌برد و نقشه کشورهای کوچک را برای عادی‌سازی نامی معجول نقش بر آب می‌کند.



جام چگاسفلا ۷۰۰ سال قدیمی‌تر از جام وارا کا

در فرهنگ اوروک در بین‌النهرین یک جام آیینی به نام وارا کا وجود دارد که روی آن نقوش آیینی مثل هدیه دادن به معبد نقش شده است. عباس مقدم سرپرست کاوش‌های باستان‌شناسی چگاسفلا به «ایران» می‌گوید: «مادقیقاً همین جام را با همین فرم از جنس سفال کشف

کردیم. کسانی که هنر بین‌النهرین را می‌شناسند می‌دانند چقدر جام وارا کا از چگاسفلا تأثیر پذیرفته است. جام چگاسفلا ۷۰۰ سال از جام وارا کا قدیمی‌تر است.»

عباس مقدم میزان کور نهاده‌های چگاسفلا را با محوطه‌های هم‌زمان بین‌النهرین مثل عبید، اور و... مقایسه می‌کند. او می‌گوید: «این مقایسه نشان می‌دهد گور نهاده‌های چگاسفلا بشدت غنی هستند، یعنی نشان می‌دهند با یک شهر ثروتمند روبه‌رو هستیم که ارتباط بسیار گسترده‌ای با اقصی نقاط جهان آن روز داشته است. این قوم می‌توانستند سنگ‌های مرمرین را از منطقه شرق ایران بیآورند و فلزات را از شرق و فلات مرکزی. انواع و اقسام سنگ‌های رنگی و تزئینی را از منطقه افغانستان برداشت کنند و اکسیدین را از وان ترکیه. مقدم می‌گوید: «اما قبور بین‌النهرین فقیر هستند عمده‌ترین چیزی که در آنها یافت شد ظروف سفالی است.» به گفته مقدم برای اولین بار است که باستان‌شناسان در جهان در هزاره پنجم پیش از میلاد با این فراوانی گورنهاده‌ها روبه‌رو می‌شوند.



نما

جام وارا کا

جام چگاسفلا